دیه زن و سیاست حقوقی ایران از تعهد به مبانی فقهی تا موازین حقوق بشر

* قادر احمدی

** احمد مرادخانی

*** سیدمحمدمهدی احمدی

**** علیرضا عسگری

چکیده

یکی از اصول و قواعد مهم در فقه و حقوق، لزوم جبران خسارت وارده بر اشخاص است و از جمله خسارت‌های بدنی قابل جبران، صدمات بدنی وارده بر زنان می‌باشد. در صورت ورود اسباب بدنی به جسم زن تحت عنوان دیه به فرد مصدوم برداخت می‌گردد و در قوانین قیل از انقلاب اسلامی ملزم به عنوان برداخت ضرر و زیان مادی وجود داشته است. اما پیروزی انقلاب اسلامی و تصویب قانون اساسی، بستر مناسبی برای انتساب نظام حقوقی ایران به مبانی قضایی اسلام و مذهب امامی فراهم آمد. با تصویب قانون دیات، جبران زنان در بخش موارد تنظیف گردید. با عنايت به این موضوع و عنوان نظام حقوقی کامل و قابل بهره نشان اساسی برای زن و تبعی متغیر ملی این موضوع قانون‌گذاری را بر آن داشت تا در خصوص نسایی دیه زن و مرد اقدام به حل مشکل نماید. از قانون‌گذاری در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در راستای موازین بین المللی متین بر عدم حفاظت جنسیت در جبران خسارت، مقر نمود که تفاصل دیه زن از سوی دولت برداخت گردد.

کلید واژه‌ها: دیه، دیه زن، تنظیف دیه، جبران خسارت بدنی، حقوق بشر

---

1- تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۳/۲۵

2- دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران

3- استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)

ah_moradkhani@yahoo.com

4- استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران

5- استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران

---
1- طرح مسأله

یکی از اصول مسلم و قواعد مطرح در فقه و حقوق، لزوم جبران ضررهای مادی و معنی وارده بر اشخاص است. در حقوق معامله، خسارت وارده بر جسم را با توجه به هزینه درمان مصدوم و مدت بیماری، به کارِ توقف و همچنین درآمد و افراز واجب تنفه تحت تکلیف از او اورده می‌کنند و هیچ مبلغی از پیش تعیین شده ای به مصدوم بیشتر از تعلق نیم گرد در حقوق انجمن که مبلغ ۱۵۰۰ پوند قانوناً به پدر و مادر میت در صورتی که مجرد باشد و یا به همسر او اگر معیل باشد، بابت فقدان جبران با همسر پرداخت می‌گردد که این مبلغ در مقایسه با دیه کامل پسیار اندک و ناجی است. پرداخت دهی در قبال خسارت بدنی در نظام‌های حقوقی معامله‌منش جبران حقوق‌الامام است و در سایر نظام‌های حقوقی، در صورت قوت فوری شخص مصدوم، تنا هزینه کنن و دفع او بر عهده صدمه زنده است. (باربیکو، ۱۳۸۷، ۲۴۵ و اما در فقه و حقوق اسلامی) در موارد ورود آسبی بدین مبلغی بعثن دیهه، اسپیس رساندی باید به مصدوم پرداخت نماید و حتی در بین ملتهای گذشته که به صورت خانوادگی یا اقوام زندگی می‌کردند اقوام و محل در تمام قرونا و اعضا بین همه ملتهای مسأله دیه مطروح بوده (فیض، ۱۳۷۷، ۳۲) و به صورتهای واقعی عمل می‌شده یا اگر این حکم کرده اند داده بیمار به دیه حکم می‌کرد و قبل از اسلام در عصر عبادالطوبی مسأله دیه مطروح بوده و قبل از دوئی نیز بین فرزندان ابراهیم اولین عمل می‌شد (محل عمومی، ۱۳۴۹، ۲۷۲۰).

از آن جمله، ضررهای بدنی و جسمانی وارده بر زنان که به اساس نهاد به جبران می‌گردد و طبق اصول معتقد قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌باشد قوانین عادی با اسلام و قوانین اسلامی مطابقت داشته باشد و نهادی مانند شهری انجمن قانون اساسی، برای تبیین قوانین عادی با قوانین اسلامی تشکیل سند است و طبق قواعد حاکم بر دیه قانون اسلامی در موارد و میزان حقوق بشری می‌باشد خسارت بدنی وارده بر زنان بدون لحاظ جنسیت جبران می‌گردد. مطابق قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۳ تفاصل به دیه زنان از طریق صندوق تأمین خسارت‌های بدنی به مکمل جبران می‌شد و در حالت که قسمتی از مطالعات از طریق بیمه تأمین شده‌ای شخص ثالث تامین می‌شود و جبران تنقيح می‌شود از طریق بیم‌پرستی مالی مورد خاصی در نظر گرفته شده است این موضوع قابل بررسی است.
پذیرش ابن اشکال و جبران تنظیف از سوی صندوق تأمین خسارتهای بدنی که زیر نظر بیمه مزکری بوده و با پول مدرم عادی تأمین می‌گردد با اشکالی اساسی تنها مواجه است.

۳- مفهوم شناسی دیه در لغت، فقه و حقوق

کتاب: مبانی فقهی: مشروعیت قوانین...

قرآن کریم در آیه ۹۲ سوره مبارک ناسیه به تشریح حکم دیه برداشته، می‌فرماید: «و چگونه چنین شد؟» و ما کان لمسیان انسان معمولاً در این قسمت هر خلقتی می‌گویند که تمام نظر به پیامبر مسلمان‌هاکه این قسمت را نقل می‌کند، خو نهایی به وارثان مقتول برداخت نماید مگر آنکه آنان خون با خون، با اثر نظر انگیزده ریشه قرآنی دارد؛ از آمام محمد‌باقر علی السلام، نقل شده که: «لايطلم دم امر وسم لخو مه مسلمانی به هدر نمی‌رود» (در عالمی، ۱۳۰۹/۱۹/۷۸، ۱۲۱۹، ۱۳۵۹) بنا بر این از جبران خسارت اعم از بدنی و عاطفی از مسلمان در اسلام می‌باشد. شارع مقدس بن‌امام همدان در مقابله جنایات و جنگ در بین اعراب جاهلی وجود داشت، با اصلاحات و تغییراتی که در آن سنت اعمال کرد؛ مورد پذیرش قرار داد، وبه اصطلاح، امضا کرد (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۲/۱۳۸۷).

۱-۲- دیه در لغت

دیه در لغت نامه های فارسی به خوینده تعییر شده است و مالی که ضریب یا قاتل یا دیه به شخص آسیب دیده یا وارد یا بدهید (عید، ۱۳۸۵) و از لفظ دیه تبیه به خوینده تعییر شده است (دهخت، ۱۳۷۲) و رابط اسفهانی در معجم الفاظ قرآن در این خصوص بیان می‌دارد: «یک دیه لفظ لطفاً در المدید / آنچه در خون (قلت) برداخت می‌شود یک دیده (رعایت اسفهانی، ۱۳۴۴، ۱۳۵۵) و در نکات لسان العرب به دین صورت بیان شده که « دیده: الدینه: حکیت القبیل، وقی و دیابی دیده، وإلهاً غور متماً معاو، تقول: ودیت القبیل ایه دیه ای اگذسته دیه، ویندیت ای اگذسته دیه، وإلهاً غور متماً معاو / دیه حق مقتول است و از ریشه ای ودیاً دیه گرفته شده، او حذف شده و غور، واو اطاعت ودیه و نبیه دیه مفرز دیه است.» کلیاً به خوینده دیه برداز» (الین منظره، ۱۳۳۱، ۱۳۸۳). بنا براین معنایی که
کتب عمدتاً لغت در زبان عربی برای دیه کرده اند، عبارت‌هایی از «حق القتل» و یا «بدل النفس»، که مورد به لغت «خون‌ها» در زبان قارسی است.

۲—۱۲۴ـ به دو راه اصل

دیه در اصطلاح قلم، به خون‌ها و آن نوعی کیفر مالی یا غرامت است که شخص آزاد، هرگاه کسی را کشت یا زخمی کرده باشد، باید طبق شرایطی آن را به اولیاء مجنی علیه یا اوراد و یا به پرداخت و فرق نمی کند که از طرف قانون‌گذار میزان آن، معین شده یا نشده باشد. گاهی دیه را به آن‌چه معین شده‌اند می‌کند و این دیه را به آن‌چه معین شده‌اند، می‌گویند. یا این اصطلاح اخیر مطرح ته باشد (فیض، ۱۳۷۷، ص ۲۳۰)، دیه غرامت‌های مالی را که شخص گیانه بدون اجازه باید پردازد همستور در جانایه‌ای عمده در صورتی که مجنی علیه یا اولیاء ای به پرداخت غرامت مالی صلح کند، مقدر یا غرامت‌ها در شرایط اسلام غلبه ا‌گزینی شده است ولی مجنی علیه یا اولیاء ای می‌توانند از لحاظ مقدر با جانی صلح کند (گرچه، ۱۳۸۵ ص ۲۸۶).

آیت الله خویی، دیه را به مال تعريف نموده و بیان می‌دارد: «دیه مالی که در جانایت بی جان و عضو جراحت و مانند ان واجب می‌شود» (خویی، ۱۳۴۳، ص ۲۸۶) و صاحب جواهر محمدحسن نجفی، نیز دیه را به مال تعريف و بیان می‌دارد: «دیه اصطلاحاً عبارت از مالی است که در عوض کشت یا شخص حرّ یا صدمه جانه دیگری پرداخت می‌شود چه مقدر آن معین با یا معین نباشد هر چند معنی‌الله با آن‌چه مقدر است مقرر دیه و آن‌چه مقدر مقرر نیست، ارشد یا حکومت می‌نامند. یا به این معنی اسم مصدر است.» (الزباد، ۱۳۹۲ ص ۳۲) و حضرت امام خمینی (ره) در سیاست ماهیت دیه بیان می‌دارد: «دیه، مالی است که به جانایت بر حسب تیره از آن واجب می‌شود که مقدر باشد یا نه، چه بسا غیر مقدر».

۱ مصباح المبنی، «الدینه ما بعضی مال جنگ نفی ناقلین»
۲ هیال مالی مصرفی در جنازه‌ای علیه النفس یا عیان یا جرح یا نحو دیگر
۳ این مطالعه با همین زبان به حسابی شامل جنایه‌ای علیه النفس، یا چون‌که که مقرر اولا و این رابطه احتمالاً دو، سه و دو اولین و دو اولین باشد.

۴ بالآشی و الگوی که به تبادل نقش در نسبت به معین تشریح دارد (بحثی، ۱۳۴۳ ص ۲۸۶)
به ارش و حکومت، و مقدر، به دیه نامیده می‌شود و نظر در آن در اقسام قتل و مقدارهای دیات و موجودات ضمان و جنايت بر اعضا و ملحقات است؟ (امام خمینی، ۱۴۰۹، ۱۴۰۱۳، ۲)...

۲-۰۳- دیه در اصطلاح حقوق موضوعه

دیه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به عنوان یکی از مجازات‌های جهانگانه شمرده شده است. و در ماده ۱۸ همان قانون مقرر شده: «مجازات‌های مقرر در این قانون جهار قسم است: الف- حد ب- قصاص، پ- دیه ت- تعزیر» و نیز در ماده ۴۴۸ همان قانون، دیه چنین تعریف شده: «دیه مقدر مال معنی است که در شرایط مقدس به سبب جنایت غیرعمدی بر نفوس، عضو یا منفعت، یا جنايت عمدی در مواردی که به هر چهار قصاص ندارد، مقرر شده است. هر چنین انشعاب نیز نوعی از دیه در ماده ۴۴۹ و قانون به شرح ذیل بیان شده: «ارش، دیه ی غیرمقدر است که میزان آن در شرایت این نشده است و دادگاه با لحاظ نوع و کمیت جنایت و تأثیر آن بر سلامت مجیعی علیه و میزان خسارت وارده با در نظر گرفتن دیه مقدر و با جلب نظر کارشناس میزان آن را تعیین میکند.»

۲-۰۴- مقابسه دیه در دو دیدگاه فقه و حقوق

بنا براین درباره ماهیت دیه در بین فقه‌ها و حقوق‌دانان اختلاف است. از بررسی فقه شعیه به دست می‌آید که دیه مقرر شده از باب جنایت‌های شرود شده بر مجیع علیه و یا بستگان او بوده و هدف آن جلوگیری از به هدر رفتتن خون انسان‌هایی است (شهمه‌شنی، ۱۳۸۱) و در فقه اهل سنن نیز به جنبی جبرانی داشته دیه اشامه شده و طبق نظر فقه‌های اهل سنن نیز شارع دیه را به منظور جبران خسارت ناشی از تلف نفس و یا عضو تشکر نموده و به هیچ وجه نمی‌توان آن را کیفری برای عامل جنايت تلقی کرد (سرخسی، بی تا،۱۳۷۶) با تبع اثر حقوق‌دانان، سه دیدگاه عمد به حصور دیه وجود دارد: دیدگاه نخست اینکه، دیه ماهیت جزایی داشته و با مجازات‌های مالی که در نظام‌های حقوقی جدید وجود دارد قابل مقایسه است (جعفری نژاد، ۱۳۶۸، ۱۳۷۲). طبق دیدگاه دوم، ماهیت دیه غیر جزایی بوده و همچون خسارت‌های...
فصل‌های فقه و حقوق اسلامی/سال شانزدهم/شرکت انتشارات همشت

مذکر می‌شود که نسخه جزیره‌ای زبان وارده به چنین مسئله‌ای عالیه‌ای ندارد (حسینی نژاد، 1369). و در دیدگاه سوهم، دیات به‌طور کامل نه قابل تطبیق با جزای نقدی و نه خسارت مدقیق است بلکه ماهیت دو گانه داشته و عناصری از مجازات و خسائر در آن وجود دارد (بهنامی، 1369). بنابراین ماهیت دیه در فقه بیشتر شاخص به امور مالی و دين دارد و همچنین ادله ابتدات آن نیز مطالب مقررات مدنی است ویا ماهیت در دیه حقوق به مجازات شاخص زیادی دارد تا امور مالی و مدنی.

5-2 توصیف دیه زن

توصیف دیه بدون مفهوم است که در برخی موارد دیه زن در فقه اعیام امامیه و اهل ست سنت نصف می‌شود و تقلیل می‌یابد و این موضوع مورد اتفاق علمای فرقین است. دیه زن در قوانین جرایب ایران نیز به لحاظ لزوم انطباق با فقه، در برخی موارد توصیف شده است. محمد حسن نجفی صاحب کتاب جواهر کلام در این خصوص بیان می‌دارد: به‌همنالی بدون خلاف و بدون ایجاد مصلمان ازاد زان کوچک و چه بزرگ چه عاقل و چه دیوانه، جهاتی سالم بوده یا سالم نبوده در همه شش مورد دیه که فقیه، نصف مرد آزاد است. در وعده و شبه عمد و خطاهای دیه کامل مرترا دیه کفیم یا یکصد شتر یا دوست گاو یا هزار گوسفند یا هزار دینار یا ده هزار درهم یا دویست دست لباس یمنی است. دیه زن نصف انداخت. اجماع به هر دو قسمش، اجماع معقول و محصل (وجود است. اجماع مانند روایات مستقیم و یا متواتر است. پس از اجماع دارند جز این که این علیه و اصیل گفته اند: که دیه ی زن مساوی دیه ی زن است. ولی باید گفت این مسأله جلوتراز اینجا اجماعی پدیدا و پس از آنها نیز اجماعی است. بلکه هر کس که اجماع را در این مسأله تنق کرده به مخالف بودن دیه علیه و اصیل یا اعتنابوده است. بنابراین دیه زن 50 نفر شتر یا یکصد دینار و هکاسته و این مطلب واضح است. و از زمانی که چون جراحت و اعضا ی زن کمتر از نیم دیه کامل شده دیه دیه ی زن نصف دیه دیه ی مرد است. از هر وقت کمتر از سه‌تشرش از لحاظ قصاص و دیه با مرد مساوی است (ادبی، پور، 1392، 1369).
در قانون مجازات اسلامی مواردی ذکر شده که می‌باشد صدومه زنده به پرداخت نصف دیه زن محكوم شود. یکی از آن موارد، دیه قتل زن است. ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی در این خصوص مقرر می‌دارد: «دیه قتل زن، نصف دیه مرد است» و نیز در ماده ۵۰۰ همان قانون بین شده که «دیه زن و مرد در اعضا و منافع تحاکم از دیدن دیه کامل مرد پسند است و چنانچه تا پیشرفت شود دیه زن به نصف تقیل می‌باشد» و همچنین در ماده ۷۶ همان قانون، دیه سقط جنین در صورتی که روح در آن دمیده شده است اگر پسر باشد، دیه کامل و اگر دختر باشد نصف آن قابل پرداخت از سوی جانی خواهد بود.

۲- ۶- مفهوم حقوق بشر

حداکثر حقوق آدمان جهان بدون ارتباط به تابعیت و مذهب و نژاد و رنگ خاص و یا جنس که در اعلامیه حقوق بشر عونان شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۲، ۳۰۵).

۲- ۷- جبران خسارت

خسارتی که به دنیا مال کسی برسانند مادی است، اگر به عرض و آروپایی بررسیده می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، ۳۳۵).

۳- لزوم مطابقت قوانین عادی ایران با مبانی فقهی

به منظور پاسخگویی از احكام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغالطه مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها، شورایی به دام شورای نگهبان قانون اساسی تشکیل شد و اصل پیشینی مسئله «نگرانی بر قانون گذاری» در حقوق ایران، موضوع جدیدی نیست، بلهکه قدمت آن، همزاد تدوین اولین قانون اساسی و توازن نهاد قانون گذاری در ایران است. اصل ۲ متمس قانون اساسی مشروطه در راستای اطمینان از شرعت بودن کلیه مصوبات مجلس شورای ملی که به اصل «طرح نیز متعارف نیست»، تدوین گردد. و شورای نگهبان قانون اساسی نیز به نوعی پاسخگویی مطلق مقدس محسوب می‌شود.

هکاکا کم‌کم واضح و کنار جراحات و اطراف مشاهده می‌شوند علت از نظر جراحی مالی نمی‌توانیم نگرانی قانونی در مورد قرار دادن دیه جراحی یا طرفین در دو نسخه فعال و دیه‌ای که از کلام فعالی (محمدرضا نجفی، ۱۴۰۴، ۳۲)
در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چند اصل تدوین گردید که از محکمات قانون اساسی به شمار می‌آید. عکس از نهاد تنظیم و تضمن می‌کند. یکی از آن‌ها، اصل «جهان قانون اساسی است که مقرر می‌دارد: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و ترویج آنها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.»

اصول مذکور قاعده‌ای است که اجرا آن می‌تواند گامی اساسی در تحقق و فعّالیت یافتن حاکمیت اسلام از طریق حکومت جمهوری اسلامی به شمار آید. تأکید قانون اساسی بر اساس قرار دادن موازین اسلامی در مورد «کلیه قوانین و مقررات...» و حاکم بودن آن چک آسیابی بر اطلاعه اعمال قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر خود مؤید این مطلب به نظر می‌رسد. در این خصوص، قانون اساسی فقهای شورای نگهبان را مرجع تمیز و تشخیص مطالب‌الله قوانین و مقررات با موازین اسلامی دانسته است. (سایت عصر ایران) و نیز اصل نود و یکم قانون اساسی بیان می‌دارد: «به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای ملی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود.» و اصل نود و چهارم قانون اساسی که اصل اطلاعات قوانین عادی با موازین اسلامی را متذکر می‌شود: «کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی با شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان مسئول است آن را حذافری بدون ذکر از دست روز از تاریخ وصول از نظر اطلاعات بر موادی اسلام و قانون اساسی مورد پربررسی قرار دهد و جنابان آن را می‌تواند به امان رای تجدید نظر به مجلس پاژش‌داده. در غیر این صورت مصوبه قابل اجرا نخواهد بود.»

اطلاعات قوانین عادی بر خلاف موادی اسلامی نیازمند اصلاح منطق باشد، نه انتکه قوانین عادی بر خلاف موادی اسلامی نیازمند.

همچنین اصل یکصد و هفتم قانون اساسی به نظرات قضایی اشاره کرده و قضات را از اجرا تصویب نامه و آن‌نامه نامی مخالف با قوانین و مقررات اسلامی بر حذر چاپند و به آن‌نامه می‌دارد: «قضات دادگاه‌ها مکلفند از اجرا تصویب نامه ها و آن‌نامه نامی دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی قرار می‌دارند بنون ابطال آن گونه مقررات را از دیوان عدلیات اداری تمیز کند.» و اصل هفتمد و دوم قانون اساسی نیز به عدم تصویب قوانین مغایر با اصول و حکومات اسلامی اشاره دارد و مقرر می‌دارد: «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانین وضع کند...»
که با اصول و احکام مذهب رسماً کشور یا قانون اساسی مغايرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیب
که در اصل نود و ششم آمده بر عهده شورای نگهبان است.
و مطابق اصل هشتاد و پنج قانون اساسی دولت نیز نیاز مصوبات مغاير با اصول و احکام مذهبی را
داشته باشد و در این خصوص مقرر می‌دارد: "سنت نماینده‌گان قائم به شخص است و قابل واگذاری
به‌دیگری نیست. مجلس نيما توایند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیاتی واگذار کند وی در موارد
ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون های داخلی خود
تقویض کند. در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجرا می
شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود. همچنین مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دامی
اساسامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل هفتاد و دوم به
کمیسیون‌های دریافت و اگذار کند و یا اجرای تصویب آنها را به دولت بدهد. در این صورت مصوبات دولت ناید
با اصول و احکام مذهب رسماً کشور یا قانون اساسی مغايرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیب
مذکور در اصل نود و ششم به شورای نگهبان است.
و اصل یکصد و پنج قانون اساسی، شوراهای را نیز از تصویب مصوبات مغاير با موانع اسلامی برخور
داشته است و مقرر می‌دارد: "تصمیمات شوراهای نیاز مخالف قوانین اسلام و قوانین کشور باشد". و اصل
نود و ششم قانون اساسی، مرجع تشخیص مغايرت قوانین عادی و مصوبات دیگر را مشخص و شورای
نگهبان را تنهای مرجع رسمی اعلام مغايرت یا عدم مغايرت قوانین عادی با احکام اسلامی قرار داده است و
پیان می‌دارد: "تشخیص عدم مغايرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکرمیت فقه‌ای
شورای نگهبان و تشخیص عدم تعرض آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان
است.

- 4- موانع حقوقی بشر در خصوص عدم لحاظ چنینی در جبران خسارت جانی
سازمان ملل متحد در سده‌های اخیر توجه ویژه‌ای به مسائل مربوط به زنان داشته است، که منجر
به تدوین اسناد حقوقی بین‌المللی گردیده است. در این راستا کانسپسیون محسوس کیهانی تبعیض علیه زنان
در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد، و در دسامبر ۱۹۸۱ برای با
۱۲
فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی/سال شانزدهم/شماره پنجاه و هشتم

شهروز ۱۳۶۰ لازم اجرا شد. تاکنون ایران به آن نپوسته است، زیرا شورای نگهبان آنها متفقبا با ۹ اصل قانون اساسی و در تعارض با ضروریات اسلام دانسته است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر آرمان مشترکی را برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام می دارد تا جمعیت افراد و کلیه ارکان اجتماع این اعلامیه را دائماً مد نظر داشته باشد و تلاش دارد بوسیله هنر و تربیت اجرای حقوق با تبادل ترجمه ملی و بین المللی، شناسایی و اجرای واقعی و حیاتی آنها، چه در میان خود، وی و چه در بین مردم کشورهایی که در قلمرو آنها می باشند، تامین گردد. و ایران در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ سند اعلامیه جهانی حقوق بشر را امضاء کرده است. و در ماده دوم اعلامیه حقوق بشر آمده است: «۱» هر کس می‌تواند بدون هیچ تواضع‌چرخه‌ای از حیث رنگ، جنس، نژاد، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده ی دیگر و همچنین ملیت و وضع اجتماعی، تروت، ولادت یا هر موقوفیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه ی آزادی‌های که در اعلامیه حاکم درک شده است بهره مند گردد. ۲) به علاوه هیچ تبعیضی به عمل نخواهد آمد که مبنی بر وضع سیاسی، ادیانی و قضایی یا بین المللی کشور یا سرزمینی که شخص به آن تعلق دارد. خواه این کشور مستقل، تحت قویمیتا با خود مختار بوده و یا حاکمیت آن به شکل محدود شده باشد.

یکی از موارد قابل بحث تابعیتی دیه زن و مرد است. مطالعه ماده ۲ کانونهای محاوی هر گونه تبعیض علیه زنان، هرگونه تبعیض نسبت به زن و مرد می‌باشد. به طرف قانون مجازات اسلامی زن و مرد در میزان دیه برابر نیستند و دیه زن نصف دیه مرد است. بررسی اینگونه مقررات از این حیث الزامات بین المللی دولت ایران دارای اهمیت است و تخلیه از آن در سطح جهانی به ویژه در مجامع حقوق بشری، افتادگی و گاه تصمیماتی را در قالب صدور قطعنامه‌های دیه دولت ایران بر می‌انگریزد و دولت نمی‌تواند نسبت به آنها بی‌تاخت باشد. از سوی دیگر عمدی این مقررات منابعی شبیه و فقهی دارند و لازم است با بررسی دقیق این مقررات، مباحث و فلسفه و حکمت آنها و یا بر خلاف آنچه در ظاهر امر مشهود است، را بیان کرده و اصلاح و تغییر آن را با عنایت به مشروطهای زن و مرد با استفاده از اجتهاد بی‌روی امکان یابد ساخته و با توجه منطقی و عقلی، دلیلی قائل گردد به عمل آورد.

قانونی که اسلام خود موسس آن است، قابل تغییر نیست. در نتیجه اسلام درباره حقوق بشر و تساوی انسان‌ها در موضوعاتی که اعم از زن و مرد است و جنبه عمومی دارد، هیچ گونه تایمزی قابل تغییر و در بعضی موارد، نویی حقوق اختصاصی برای زن و مرد قابل شده است که به معنی تبعیض بین زن و مرد نیست. مثل اسلام موسس این قانون است که تغییر زن بر عهده مرد است و مرد موظف است نفقه زن
را پرداخت کند. از طرف دیگر اسلام از مرد را دو برابر زن قرار داد، معناش این نیست که تبعیض قائل شده، چرا که مستندی اقتصادی مرد خیلی بیشتر از زن است (فضلانه فرزانه، شماره 8).

5- قانون دیات بعد از انقلاب اسلامی

بعد از انقلاب مشروطه در ایران، اولین قانون مجازات در تاریخ ۱۳۰۷ تحت عنوان قانون مجازات عمومی به تصویب رسید. اما از آنجا که این قانون اولین تجربه قانون‌گذاری در ایران بود، پس از آنکه شدن معایب و کاستی‌های آن، مجدداً در سال ۱۳۵۲ اصلاحات بسیاری انجام گرفت. انقلاب اسلامی ایران نیز که بر محو قوانین اسلام بوجود آمد، با پیام از احکام مترقی اسلام در راستای احیای موقوفیت ارزشی زن گامهای بسیار مهم و مثبتی برداشت و می خواهد فضیلت های فراموش شده زنان را به آنان برگرداند. از این رو بعد از پیروزی انقلاب اسلامی شهرده گستر و جایگاه زن در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر اساس کرامت و فضیلت ویژه زن هستیم. و با عنايت به اینکه، قانون اول اسلامی تنها بر اساس چگونگی ارتقاء متوفی نشده بلهکه نیاز واقعی وارثان نیز در نظر گرفته شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ۱، ۳) و در موضوع تصنیف دیه زن این معنا بست که اگر مردان بر زنان برترا داده شده و بخاطر روح تغییر است، که در مساله ارتهم باعث تفاوت در امر زن و مرد ساخته تیپر و گامهای بسیار مهم و معنایی نیست، بلکه منظور زیادتری سهم مرد از سهم زن است، و اما برترا واقعی که به معنای کرامتی است که اسلام به آن عنايت دارد ملاکش تقا است، در مرد باشد، مرد برترا است، در زن مهم باشد زن برترا از مرد خواهد بود (موفقی همدانی، ۱۳۷۲، ۳، ۴۲۵).

قانون‌گذاران نظام، سعی کرده اند از کرامت و منزلت والی زن حمایت کند و در این مسیر مقدس همراه به ایجاد و هویت دینی و ملی پایبند بوده اند (مرکز تحقیقات فقهی قانونی، ۱۱). می توان گفت: اصلاً در قوانین قبل از انقلاب پرداخت دیه و ضرب و زبان مطرح نبود در برخی موارد مجازات اعدام و در برخی موارد محرومیت به زن‌اند مطرح بود (مالی، ۱۳۷۳، ۴۰). بنابراین ماده ۱۷۳ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۸۴ مقرر می‌دارد: «هر کس عمدتا به دیگری جرح یا ضربی وارد از کار نماید که توجه یا نقصان یا کمک یا یا کار افتد به عنوان عضوی از اعضای و یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یکی از حواس مجتن عليه گردید از دو تا ده سال به حبس مجرد محروم خواهد گردید و در صورتی که متنی به زوال مصرف یکسازی شود، دو برابر زن قرار داده می‌شود».
عقل گردد به حادثه مجازات مزبور محاکم خواهد شد.» و ماده ۱۳۷ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۴۴ بیان می‌دارد: «هر گاه صدمه وارد موجب مرگ یا زخم انسان را باستان کرده و در مدت زاید بر بیست روز گرفت مرکب به شش ماه از کسی که صدمه خورده که کمتر از بیست روز مدت مجازات کارگردان از کسی که صدمه خورده است ناپدید یا فقط در مدتی مطالعه این دو ماده که در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ به تصویب رسیده، در موارد و ضررات بدنی، هنگ مقرره ای می‌توانی به پرداخت ضرر و زیان لاحظ نشده بود و صدمه زنده بی جنی عمومی جرم

یعنی حبس محاکم می‌شود.

اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و برای تحقق اهداف آن و به منظور اجرای قانون برگرفته از فقه جزایی اسلام و خروط عرب اقتصاد قوانین با اسلام و به موجب تکلیف که در داخل ۴ قانون اساسی در لزوم همسوی کلیه قوانین با مقررات اسلامی پیشین شده به‌دست اخیر ۱۳۶۷ در میان قانون مجازات، با نام قانون حدود، قصاص تصویب شد، سپس در مورخه ۱۳۶۷/۲/۲۴ قانونی تحت عنوان قانون مجازات اسلامی مبهم دیات در کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. و در سال ۱۳۷۰ قانونی به نام «قانون مجازات اسلامی» شامل تجربه کتاب در باب کلیات، حدود، قصاص و دیوان بیشتر رسید و در سال ۱۳۷۵ قانون تعزیرات نزدیک به قانون مجازات اسلامی افزوده شد. اما با گذشت زمان و در یک اعمال این قوانین، خلاصه قانونی جامع که تاحدود زیادی متقاعد گذشته را مرتفع و برتخیر نیازهای روز را برآورده سازد همیاً شد، این امر موجب خلق لیا قسیم‌هایی جدید قانون مجازات اسلامی شامل تجربه کتاب کلیات، حدود، قصاص و دیوان شد.

با توجه به اشکالات عده و توافقات موجود در قوانین سابق که بعضاً به واسطه تشکیل آرا، موجب آرا و مثبت نظر می‌شدند، لزوم تغییر در اصلاح قوانین سابق هدایا گرفت و قانون مجازات اسلامی در اردیبهشت ماه ۱۳۹۲ پس از تصویب در کمیسیون قضایی و حقوق مجلس شورای اسلامی و برای با اصل هشتاد و یکمین (۸۵) قانون اساسی به تصویب نهایی رسید. این قانون پس از موافقت مجلس از اجرا کامل را از آزمایش آن به بهداشت نهایی پس از تأیید شورای نگهبان واقع شد. ماده ۶ قانون مجازات اسلامی دیات مصوب ۱۳۶۷/۸/۲۴ در خصوص دیه زن مقرر می‌دارد: «دیه قبل زن مسلمان خواه عمده خواه غیر عمده نصف دیه مند مسلمان است.» و هجین در ماده ۷ همان قانون آمده است.
حكایتی به‌نارنجک‌ها یکی‌سوم نصف دیه چراحت به تکل (پک سوم) دیه کامل
برسد آن‌گاه دیه چراحت زن نصف دیه چراحت مرد خواهد بود. قانون مجازات اسلامی» و در ماده ۳۰۰ قانون
۱۳۷۵/۵/۸ عین همان حکم تکرار و داشتن صورت تصویب شد: «دیه قتل زن
مسلمان خواه عمدی خواه عمدی نصف دیه مرد مسلمان است» و در ماده ۳۰۱ نیز آمده که: «دیه
زن و مرد یکسان است تا و قتی که مقدرای دیه به تکل دیه کامل برسد در آن صورت دیه زن نصف دیه مرد
است» و ماده ۵۵۰ همان قانون نیز تکرار قانون قبلی بود: «دیه قتل زن، نصف دیه مرد است.» و ماده
۵۵۰ همان قانون نیز به تفصیل دیه زن اشاره می‌کند: «دیه زن و مرد در اعضا و منافع تا کنار از
ثلث دیه کامل مرد یکسان است و چنانچه تلثی شود دیه زن نصف تقلیل می‌یابد.» اما در تبصره
ماده ۱۵۵۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جبران تفاوت دیه زن توسط دولت به تصویب می‌رسد که
در قوانین سابق ب‌آن وجود نداشت و آن اینکه: «دریخه جنایاتی که مجنونی علیه مرد نیست، معادل تفاوت
دیه تا سقف دیه مرد از صندوق تأمین خسارتهای بدنی برداخت می‌شود».

۶- جبران تفاوت دیه زن از سوی دولت
قانون مجازات اسلامی برای جنایی‌های مجدد در سال ۱۳۹۲ اصلاح شد و قوانین مربوط به دیه
تغییری تا طبق روال قوانین قبلی بعد از انقلاب، مطابق نظریه مشهور قه امامیه، تدوین گردید و تبصره ای در
قانون گنجانده شد که، «در کلیه جنایاتی که مجنونی علیه مرد نیست، معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد از
صندوق تأمین خسارتهای بدنی برداخت می‌شود.» (تبصره ماده ۱۵۵۱ قانون مجازات اسلامی مصوب
۱۳۹۲) مفاد این تبصره در قوانین قبلی نبود و مقرر گردید، تفاوت دیه زن از سوی دولت برداخت شود و این
موضوع امری مطلوب و بر حسب تقویت و گسترش جمهوری اسلامی می‌باشد و صندوقی که در
به‌نیم‌مرکزی ایران مستند برداخت خسارتهای بدنی تشکیل شده بود، می‌باشد تفاوت دیه زنان
را نزد این‌رده همان صندوق برداخت نمایند.
و با تصویب تبصره ماده ۱۵۵۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برخی مواد قانون مجازات اسلامی از
جمله مواد ۱۶۴، ۵۴۰ و ۵۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۴۳ نسخ شده محسوب می‌شود. اما نکته
اساسی و به نظر دارای مشکل، این است که، در قطع برداخت دیه از سوی بیت المال، منحصر به
موارد خاص است و اینکه قسمتی از منابع این صندوق از سوی مردم عادی تأمین می‌شود و در حالی که
بین مردم عادی و صدمة زندگی و جانی هیچ نوع قراردادی مبین بر جبران خسارت، وجود ندارد.
مطالبی بند الاف ماده 11 قانون بیمه اجاری خسارت‌وارد شده به شکل تا تا اثر حوادث ناشی از وسایل
تقییه، منابع مالی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی به شرح زیر است: «الف - پنج درصد (7%) از حق بیمه
بیمه اجاری موضوع این قانون. و ... » اما بر اساس ماده 25 لایحه بیمه اجاری خسارت‌وارد شده به
شخص تا تا اثر حوادث ناشی از وسایل تقییه، منابع مالی صندوق به شرح ذیل است:
الف - هشت درصد از حق بیمه اجاری موضوع این قانون بر مبنای نرخ‌نامه مذکور در تبصره سه ماده
ب - مبلغ معادل حداقل یک سال حق بیمه اجاری که از دارندهای وسیله تقییه‌ای که از انجام بیمه
موضوع این قانون خودداری کنند، وصول می‌شود؛ میزان مبلغ مذکور، نحوه وصول، تخصیص، تقسیم و
بخشودگی آن به پیشه‌های بیمه مرکزی، به تصویب مجمع عوومی صندوق می‌رسد.
ب - مبلغ بازیابی‌ای از مسببان حوادث، دارندهای وسیله تقییه، بیمه‌گران و سایر اشخاصی که صندوق
پس از جبران خسارت می‌گذارد، این مقاله مقررات این قانون حسب مورد درافت می‌کند.
ت - درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری وجوه صندوق با رعایت ماده 28 این قانون.
ث - 20 درصد از جراحی وصول به راهنمایی و رانندگی در كل کشور.
ج - 20 درصد از کل هزینه‌های دادگاه و جرایئ نقده وصولی توسط قوه قضاییه و تعزیرات حکومتی.
چ - جریمه‌های موضوع بند «ب» ماده 41 ماده 45 ماده 56 و بند «ت» ماده 59 این قانون.
ح - کمک‌های اعتباری از سوی اشخاص حقیقی با حقوق

بترامین با تصویب مجلس شورای اسلامی و قانون از ماه‌های مبانی به قانون دانیل تبدیل شد و سهم مردم در
تأمین بودجه صندوق از 5 درصد حق بیمه اجاری به 8 درصد افزایش یافت. به این معنی که از بیمه‌گر،
پایه بیمه‌های خودروی جنگ و 80 هزار تومان اخذ خواهد شد. در صورتی که حسب الازام قانونی، دولت ملزم
به پرداخت تفاوت دیه زنان باشد، می‌باشد دولت تفاوت دیه زنان را به طریق مروم، بلوکه از بودجه
عمومی جنگ شهری ارائه که بین مردم عادی و صدمة زندگی، هیچ نوع قراردادی در جبران خسارت می‌آورد.
دبی زنان، وجود ندارد.
7- اجتهاد بی‌خوابی در فقه امامه، پاسخ‌گویی قوی به نیازهای جامعه

با توجه به اینکه کشور به مناسبت جنگ اسلام و فقه امامه و نظر بی‌بی بوتند فقه شیعه و وجود

اجتهاد در آن، هیچ چیزی در حال مشکلات جامعه نیاز به حساب شدن و فقیه به تناسب شرایط اجتماعی

جدید ضرورت تحقق بپردازش احکام ثانی را که تاکنون از معرفت آنها پی بهره بوده است. احکام می

نیما، چه اینکه استناد احکام موضوع‌های تازه و از سابقه یک وظیفه شرعی برای او بکه واجب کفایی

برای تمام مسلمین است.

با توجه به واقعی و مسئولی كه برای جامعه ي نوبای اسلامي پیش آمده و در برتو احکام اولی و ثانوي، به

احکام و قوانینی توقف پيدا شود كه جوابگوی نيازها باند و حالا مشکلات گردد، اين نه تلقی مورد انكار

نست؟ بلکه وظیفه حتمی هر مجدوی است که در این مقطع مهم تاریخ اسلام با تلاشی پیگیر و مستمر

نصص را برای میان و در سوی به بررسی و موسوکافی گنبد و در احکام ثانوی، كه جواهرات قواین

اسلام در بخش مهمی از آن، مرهون همین وجود احکام ثانوی است، تحقق بیشتری ممکن دارند (فیض،

۱۳۷۸، ۲۰). و استناد احکام مربوط به موضوع‌های جدید مانند انجام چه بپردازه عقیده، تلقوی، تشریح،

عقیم سایر و... بیان شده است و شناخت فروع مربوط به آنها از عناوین و اصول اولیه شرعی بدون این

نیست به استفاده از عنوان دیگر مانند لزوم عصر و مرجع بپایید، شاهد گویای قدرت پاسخ‌گویی

شیرعت به نیازهای جدید زمان است (جوادی املى، ۱۳۷۸، ۲۵۷).

8- نتیجه

نهاد دیه در قوه و حقوق اسلامی به عنوان جبران خسارت از مصدوم تأسیس گردید و بر منای اصل

لزوم جبران خسارت، زبان دیه نمی‌تواند خواهان چیزی غیر از شهادت چون بعد از دریافت دیه، خسارت

او جبران شده است. بعد از انقلاب اسلامی نیز، در قوانین جزایی، جبران خسارت به عنوان یکی از طریق

پرداخت دیه می‌باشد و دیه زن، در تمام قوانین جزایی بعد از انقلاب به لحاظ لزوم انطباق قوانین عادی با

موازین فقهی و اسلامی، در برخی موارد تنظیف شده و در دادگاه‌های جزایی، جانی به پرداخت نصف دیه

محکوم می‌شد و در اثر فشارهای بین المللی که ایران را ناقص حقوق زبان می‌دانستند و در مجتمع بین

الملل، ایران را به لحاظ عدم رعایت حقوق بشر محکوم می‌نمودند بالاخره قانونگذار در سال ۱۳۹۲

قانون مجازات اسلامی را اصلاح و موادی مبنی بر پرداخت تفاوت دیه زن از صندوق تأمین خسارت‌های
فصل‌های پژوهش‌های اسلامی و حقوق اسلامی/سال شانزدهم/شماره پنجم و ششم


بدنی مستقر در بیمه مرکزی که برای پرداخت خسارت در تصادفات تشکیل شده بود، تصویب نمود.

براساس این قانون دینه زن مفت دیه مرد پرداخت می‌گردد که نصف انشابی و نصف دیگر توسط

صندوق تأمین خسارت‌های بدنی قابل پرداخت است.

به طور قاطع می‌توان ادعا کرد که دولت جمهوری اسلامی خسارت بدنی و جانی زنانا را مانند مردان،

بدون لحاظ جنسیت قابل جبران دانسته است. قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ هم نظر فقهی و

شرعی موضوع و هم نظر موافقت حقوق بشری مبنی بر عدم لحاظ جنسیت در جبران خسارت‌های بدنی و

جانی زنان را پذیرفته است. با تصویب قانون مبنی بر جبران تفاوت دیه از سوی دولت، برخی موارد همان

قانون از لحاظ اجرا نسخ شده محسوب می‌شود؟ چرا که با پرداخت تفاوت دیه از سوی دولت حکم به

توصیف بلافاصله خواهد بود.

با توجه به اینکه حکم به پرداخت دیه از سوی بیت المال در موارد خاص یکی بینی شده است و سرایت

آن به همه موارد تفاوت دیه زن قابل توجهی نمی‌باشد. و نکته اساسی اینکه، قسمتی از مسابق صندوق تأمین

خسارت‌های بدنی توسط مردم و از طریق بیمه‌نامه‌های شخص ثالث پرداخت می‌شود؛ لذا محكومت

صندوق به پرداخت تفاوت دیه زنان، نوعی جبران خسارت از سوی مردم عادی است در حالی که بین مردم

عادی با یکی هیچ رابطه حقوقی متصور نمی‌باشد.

و در نهایت به توجه به اداره جامعه بر مبنای فقه امامیه و تأثیر زمان و مکان در اجتهاد و پویا بودن فقه

شیعه و با استفاده از احکام اولیه و ثانویه، فقه امامیه پاسخگویی مناسب برای حل مشکلات جامعه می‌باشد.

فهرست منابع

1- ایبی نظریه، محمد بن مکرم، (۱۴۱۲)، لسان العرب، بروت، چاپ سوم

2- اسفهانی، حسین بن محمد راغب (۱۴۱۷)، فرق‌های فقهی القرآن، دارالقلصیده، بروت، چاپ اول

3- باربیکو علی‌ضا، (۱۳۸۷)، مسائل مدنی، میزان، تهران، چاپ دوم

4- پهلوی، احمدعلی، (۱۳۵۹)، الجزایریه در شرایط اسلامی، دارالشروق، قاهره

5- جعفری لنگرودی، محمدجوفری (۱۳۵۹)، ترجمه‌نویسی حقوق، گنج‌دشت، تهران، چاپ چهارم

6- جوادی امینی، عبدالکریم، شرایط در ایمنی و معرفت، نشر ارس، قم، چاپ دوم

7- حمید معبد، محمد حسن، (۱۴۰۹)، وسایل الشیعه، موسسه آل البيت، قم، چاپ اول
میانی فقهی مشروطه قوانین...

8. حسین زاد، حسینقلی (۱۳۷۰)، مسئولیت مدنی، جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، تهران
9. خمینی، سید روح‌الله موسوی (۱۳۰۹)، تحریج الوسیله، دارالعلم، قم، جامعه
10. خوئینی، سید ابوالقاسم (۱۳۱۳)، تکمله منهای صالحی، دانشگاه علم، قم
11. دهخدا، (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ سوم
12. زرعت عباسی (۱۳۸۱)، شرح قانون مجازات اسلامی بعض دیات، قدیسون، تهران، چاپ سوم
13. سرخسی، شمس‌الدین (۱۳۱۳)، موسسه بروت
14. شیفیوی، مسعودی-گرافی، حبان سلیم، محمدکاظمی، قیاسی، جلال الدین، (۱۳۷۶)، قانون دیات و مقضیات زمان، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، تهران
15. شهید نائین (الجیبی الامامی)، زین الدین، الروضة البهیة در الشروط العامة، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ بنجم
16. صالحی فاضل (۱۳۷۸)، دیه‌ی اعمال ملی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم
17. طبیاطیبی، محمدحسین (۱۳۱۹)، تفسیر المیزان، موسسی همدانی، محمدباقر، جامعه مدرسین، قم، چاپ اول
18. علی حسنی (۱۳۸۹)، فرهنگ مفصل عید، زرین، تهران، چاپ اول
19. فصلنامه فریزاده، دوره سوم، شماره ۸
20. قیام علیرضا (۱۳۷۷)، ترجمه الی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ دوم
21. قیام علیرضا (۱۳۸۵)، مبادی فقه و اصول، دانشگاه تهران، تهران، چاپ هدایت
22. قیام علیرضا (۱۳۸۵)، عرف و انتشارات مجید، تهران، چاپ اول
23. گرچی اولاقأم (۱۳۸۵)، مقالات حقیقی، نشر دانشگاه تهران، تهران، چاپ چهارم
24. مرکز تحقیقات فقهی قوی قضاطی، (۱۳۷۷)، دیدگاه‌های فقهی در صوصی عهدهمانه محو کلمه اشکال تبعیدی، علی نزان، تهران
25. مکارم شیرازی ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، دارالکتب، تهران، چاپ اول
26. ثابت زاده، امیر (۱۳۹۲)، ترجمه جواهر الكلام دیات، فرستاده، تهران، چاپ اول
27. نجفی محمدحسین (۱۳۰۴)، جواهر الكلام در شرح شرایط الإسلام، دار اخیار، تراث العربی، پروت، چاب هقفت

قوانین مربوط
فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی/اسلامی/سال شانزدهم/شماره بی‌شمار و هشتم

۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۲- قانون دیات ۱۳۶۱
۳- قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰
۴- قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴
۵- قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲
۶- اعلامیه جهانی حقوق بشر